



مرکز آینده پژوهی جهان اسلام  
Islamic World Future Research center  
نارای مجوز رسمی به شماره ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

## گزارش ویژه

### گزارش آمارک نظرسنجی

مذاکره احتمالی ایران و ایالات متحده در دولت ترامپ



CIWFS

مرکز آینده پژوهی جهان اسلام

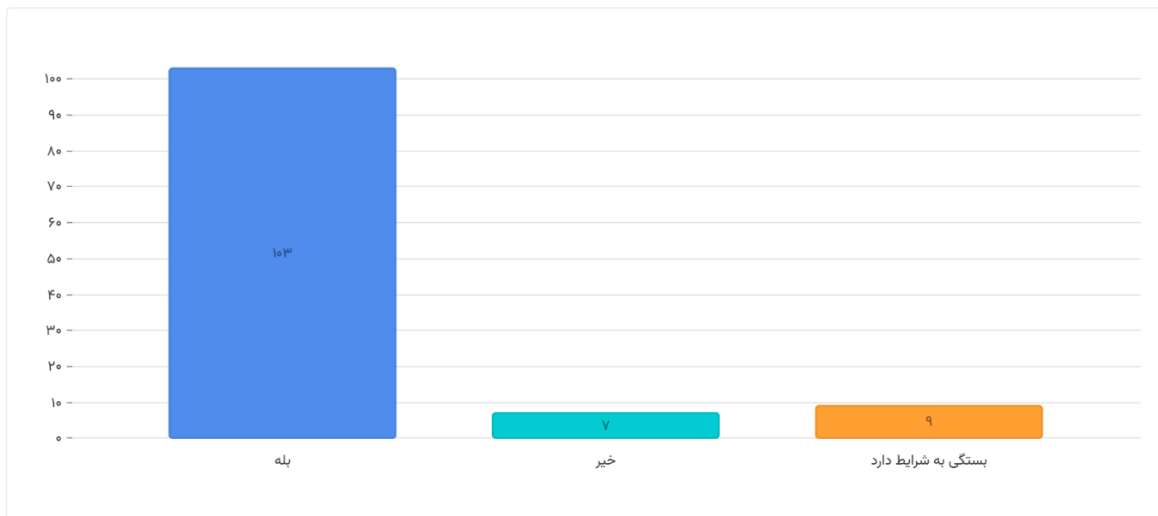
زمستان ۱۴۰۳

## مقدمه:

با روی کار آمدن دولت جدید در ایران و نگاه ویژه آن به رابطه با غرب، همچنین بازگشت ترامپ به کاخ سفید، بار دیگر رویکرد محتاطانه‌ای در مورد بازگشت به مذاکرات شکل گرفته است. دولت جدید ایران علاقه خود را به بازنگری در مذاکرات هسته‌ای نشان داده است و مسعود پزشکیان پیشنهاد آغاز مذاکرات در ازای لغو تحریم‌ها را داده است. در طرف دیگر، رئیس جمهور آمریکا هم سیگنال‌هایی را برای مذاکره با ایران ارسال کرده است. مذاکرات احتمالاً بر موضوعاتی مانند رفع تحریم‌ها و توانمندی‌های هسته‌ای ایران متمرکز خواهد بود و هر دو طرف باید زمینه مشترکی پیدا کنند. در حالی که ایالات متحده ممکن است به دلیل نگرانی در مورد امنیت منطقه‌ای و اشاعه هسته‌ای محتاط باشد، ایران مذاکرات را راهی ضروری برای کاهش فشار اقتصادی می‌داند. از آنجایی که هر دو طرف در مورد نقش بازدارندگی هسته‌ای بحث می‌کنند، روند مذاکرات ممکن است زمان ببرد، اما در صورت ایجاد اعتماد، امید به یک پیشرفت دیپلماتیک وجود دارد. در مورد مذاکرات تهران و واشنگتن، دو رویکرد مختلف در ایران وجود دارد. یکی از دلایل اصلی مخالفت با مذاکره، خروج یک‌طرفه آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ تحت ریاست جمهوری ترامپ است. این اقدام باعث بی‌اعتمادی به آمریکا شده و نشان داد که مذاکرات ممکن است بی‌نتیجه باشد. آن‌ها بر این باورند که آمریکا ممکن است توافقات را نقض کرده و در طولانی‌مدت به ایران زیان برساند. آن‌ها معتقدند که آمریکا هیچ‌گاه به توافقات خود پایبند نبوده و در هر دوره تغییراتی ایجاد کرده است. همچنین برخی معتقدند که مذاکره با آمریکا ممکن است به معنای پذیرش شروط و خواسته‌های غیرمنصفانه باشد که ممکن است حقوق ملی ایران را تضییع کند. ترور سردار شهید سلیمانی توسط آمریکا، لابی گسترده اسرائیل و تصویب در سنا نیز به عنوان موضوعاتی مطرح است که ورود به مذاکره با آمریکا را با چالش جدی روبرو خواهد کرد و نتیجه آن را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در طرف دیگر، موافقان مذاکره، مسایل اقتصادی و به ویژه رفع تحریم‌ها به عنوان اصلی‌ترین دلیل برای مذاکره با واشنگتن می‌دانند. این گروه اعتقاد دارند که تنها از طریق مذاکره با طرف‌های خارجی، ایران می‌تواند به رفع مشکلات اقتصادی خود بپردازد. آن‌ها امیدوارند با مذاکرات، زمینه برای تغییر سیاست‌های خارجی آمریکا نسبت به ایران فراهم شود و گشایش‌های اقتصادی را به دنبال داشته باشند. کاهش تنش‌ها با دیگر کشورهای جهان به واسطه مذاکره با آمریکا و افزایش امنیت ملی از دیگر دلایلی است که موافقان مذاکره بر آن تاکید دارند. موافقان همچنین سیگنال‌های مثبت ترامپ را به عنوان فرصتی برای ورود به مذاکره با وی می‌دانند. در این راستا، مرکز آینده پژوهی جهان اسلام با توجه به رسالت خود مبنی بر مشاوره به دستگاه‌های مرتبط با سیاست خارجی کشور، اقدام به طراحی و توزیع پرسشنامه‌ای با موضوع مذاکرات احتمالی ایران و ایالات متحده در بین جامعه نخبگانی شامل ۱۱۹ نفر از نخبگان علمی و اجرایی و مسئولین فعلی و سابق کشور کرده است. این نظرسنجی مشتمل بر ۱۰ سوال است که به شرایط احتمالی

مذاکره دو کشور، میانجی‌های احتمالی، محل مذاکرات، و سناریوهای مرتبط با شکست مذاکره می‌پردازد. در سال‌های اخیر، به ویژه با تغییرات در سیاست‌های دولتی و شیوه‌های دیپلماسی بین‌المللی، نخبگان ایرانی نگرش‌های متفاوتی نسبت به مذاکره با آمریکا پیدا کرده‌اند. این پژوهش میدانی با هدف درک این دیدگاه‌ها و بررسی حساسیت‌های موجود در سطح نخبگان انجام شده است. لازم به ذکر است، نوع طراحی پرسشنامه با توجه به شرایط فعلی و سیگنال‌های ارسالی دو کشور، با رویکرد ترسیم مسیر "مذاکره خوب" بوده است. در واقع پرسشنامه رویکرد "مذاکره" یا "عدم مذاکره" را مد نظر قرار نداده است، بلکه با توجه به روند فعلی تحولات و سیر رخدادهای دیپلماتیک، مانند آغاز مذاکرات ایران و اروپا، که نشان‌دهنده عزم دولت برای ورود به فرآیندهای مذاکراتی با ایالات متحده است؛ به دریافت آرا نخبگان، در راستای یک مذاکره موفق، که تامین کننده حداکثر منافع ملی باشد خواهد پرداخت.

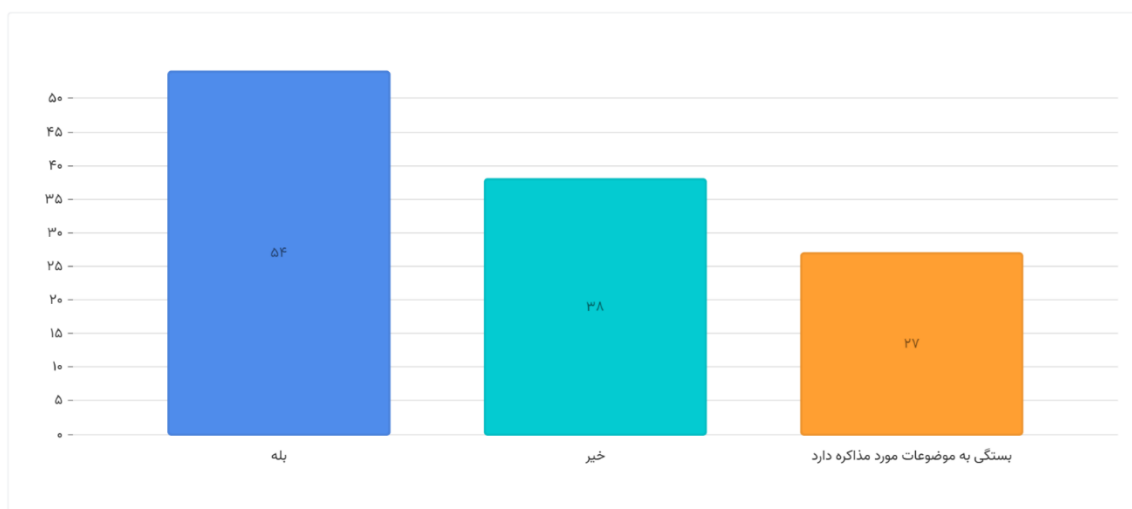
به عنوان سوال اول، پرسیده شد که "آیا شما موافق مذاکره مستقیم بین ایران و دولت ترامپ هستید؟"، در پاسخ ۸۶.۵٪ موافق برقراری مذاکره، ۵.۸٪ مخالف، و ۷.۵٪ پاسخ دادند که به شرایط بستگی دارد.



همانگونه که در مقدمه اشاره شد، نشانه‌هایی از دو طرف برای مذاکره بین دو کشور دریافت شده است. از طرفی روی کار آمدن دولت پزشکیان در ایران با نگاه خاص به غرب، همزمان با پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا، با تجربه خروج از توافق برجام در سال ۲۰۱۸، بستری را از تعارض و اراده در دو طرف ایجاد کرده است. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان (۸۶.۵٪) از مذاکره مستقیم میان ایران و دولت ترامپ حمایت می‌کنند. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده یک تمایل نخبگانی به دیپلماسی و گفتگو به‌عنوان راهی برای حل تنش‌ها و مسائل موجود میان دو کشور باشد. احتمالاً این گروه از افراد بر این باورند که مذاکره مستقیم می‌تواند به کاهش تنش‌ها و حتی دستیابی به توافقات مفید برای ایران و جامعه بین‌المللی منجر شود. شاید

تجربه هم‌سویی کشورهای اروپایی با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، و بی‌عملی آن‌ها نیز به عنوان عاملی برای کنار گذاشتن اروپا از روندهای آتی و مذاکره مستقیم با واشنگتن برای حصول توافق باشد. اما با توجه به اینکه ۵.۸٪ از پاسخ‌دهندگان مخالف مذاکره هستند، باید گفت که مخالفان احتمالاً به خاطر عدم اعتماد به تعهدات دولت ترامپ یا تجربه منفی از توافقات قبلی مانند برجام، نگران نتایج چنین مذاکراتی هستند. در نهایت، ۷.۵٪ از پاسخ‌دهندگان که معتقدند به شرایط بستگی دارد، نشان می‌دهند که به‌نظر آن‌ها مذاکره باید بر اساس پیش‌شرط‌های مشخصی مانند تضمین‌های اجرایی و منافع ملموس برای ایران باشد.

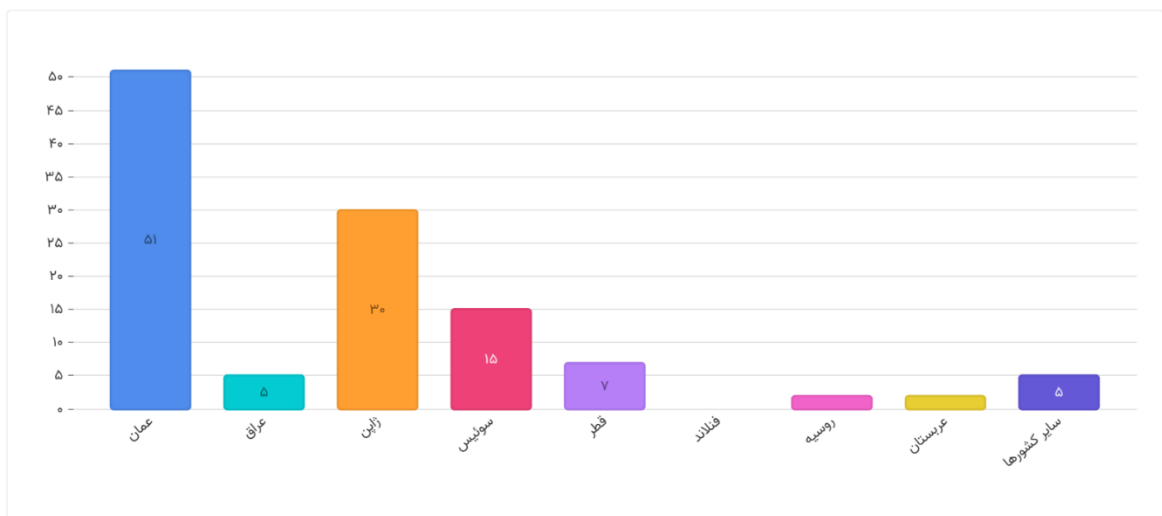
در سوال دوم پرسیده شد که "در صورتی که مذاکره مستقیم ممکن نباشد، آیا مذاکره غیرمستقیم را پیشنهاد می‌کنید؟" ۴۵.۳٪ پاسخ مثبت، ۳۱.۹٪ پاسخ منفی و ۲۲.۶٪ پاسخ دادند که بستگی به موضوعات مورد مذاکره دارد.



نتایج این سوال نظرسنجی نشان‌دهنده دیدگاه‌های متفاوت و حساس به شرایط خاص میان پاسخ‌دهندگان است. در کل، ۴۵.۳٪ از افراد پاسخ مثبت داده‌اند و نشان می‌دهند که اکثریت نسبی به مذاکره غیرمستقیم در صورت عدم امکان مذاکره مستقیم اعتقاد دارند. این درصد بالا می‌تواند نشان‌دهنده تمایل نخبگان به استفاده از دیپلماسی و گفتگو به عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌ها و رسیدن به توافقات، حتی اگر شرایط برای مذاکرات مستقیم مساعد نباشد، باشد. ۳۱.۹٪ از پاسخ‌دهندگان که مخالف مذاکره غیرمستقیم هستند، ممکن است نگرانی‌هایی درباره اثرگذاری محدود این نوع مذاکرات یا عدم نتیجه‌بخشی آن داشته باشند. این گروه احتمالاً به

دیپلماسی مستقیم و شفاف اهمیت بیشتری می‌دهند. در نهایت، ۲۲.۶٪ که پاسخ آن‌ها به موضوعات مذاکره بستگی دارد، نشان می‌دهند که نخبگان ایران نسبت به نوع مسائل و زمینه‌های مذاکره حساس هستند و ممکن است در صورت وجود شرایط خاص، تمایل بیشتری به مذاکره غیرمستقیم داشته باشند. این تحلیل می‌تواند نشان‌دهنده پیچیدگی و چندگانگی نظرات در خصوص روابط ایران و آمریکا باشد.

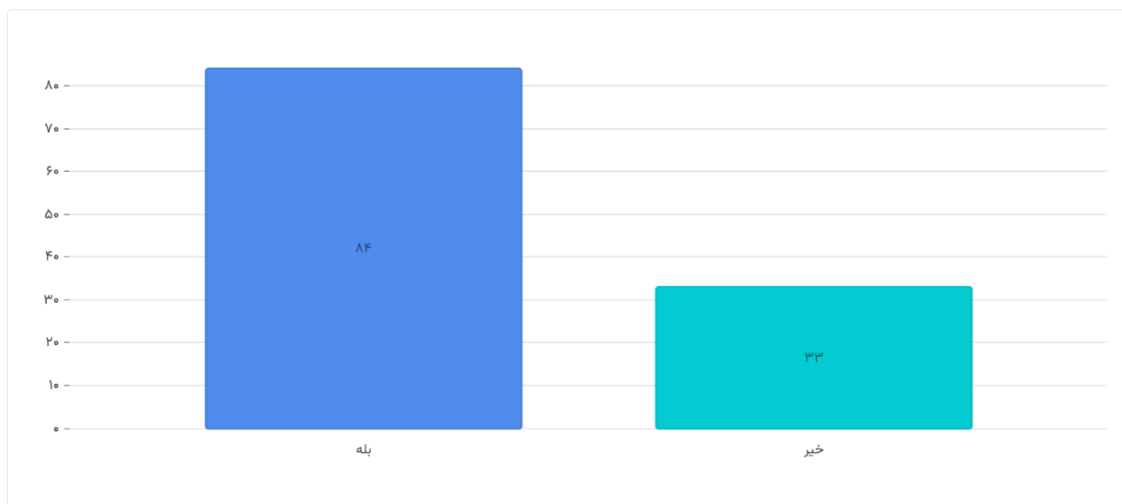
در پاسخ به این سوال که "چه کشوری می‌تواند به عنوان میانجی برای مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و ایالات متحده عمل کند؟" ۴۳.۵٪ عمان، ۴.۲٪ عراق، ۲۵.۶٪ ژاپن، ۱۲.۸٪ سوئیس، ۵.۹٪ قطر، ۱.۷٪ روسیه، و ۴.۲٪ به سایر کشورها رای داده‌اند. گفتنی است هیچ رای برای کشور فنلاند ثبت نشده است.



در تحلیل این نظرسنجی، واضح است که بیشترین تمایل به عمان به عنوان میانجی برای مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و ایالات متحده وجود دارد. با توجه به سابقه عمان در نقش میانجی‌گری در مذاکرات ایران و غرب، این نتیجه طبیعی به نظر می‌رسد. عمان به دلیل روابط خوب خود با هر دو کشور، توانسته است در گذشته پل ارتباطی میان ایران و سایر کشورها باشد. پس از عمان، ژاپن با ۲۵.۶٪ قرار دارد که این امر به دلیل روابط دیپلماتیک دیرینه ایران و ژاپن و همچنین نقش این کشور در سیاست‌های جهانی و نزدیکی به ایالات متحده است. گفتنی است ژاپن چندی پیش برای میانجی‌گری اعلام آمادگی کرد و در دور قبلی ریاست جمهوری ترامپ، تلاش‌هایی برای برقراری مذاکره بین دو کشور انجام داد. سوئیس با ۱۲.۸٪ و قطر با ۵.۹٪ به عنوان کشورهای دیگر با احتمال نقش میانجی در این مذاکرات دیده شده‌اند، اما میزان کمتری از حمایت را به خود اختصاص

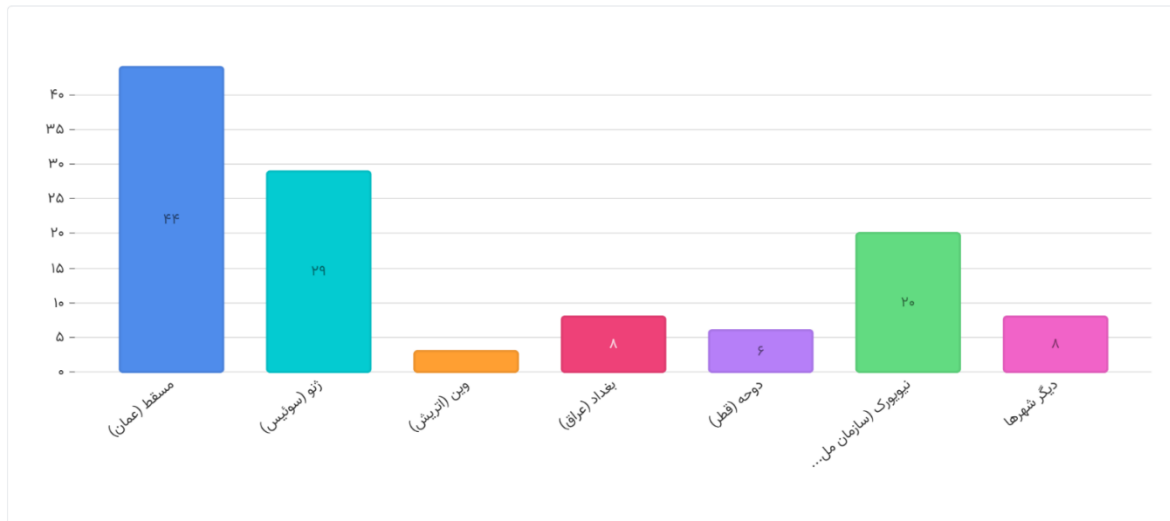
داده‌اند. نکته جالب توجه این است که عراق و روسیه کمترین درصد از آراء را دارند، که نشان‌دهنده وجود حساسیت‌های خاص در خصوص این کشورها به عنوان میانجی است. همچنین غیاب نام فنلاند در نظرسنجی نشان می‌دهد که شاید این کشور در نظر پاسخ‌دهندگان از جایگاه مهمی برخوردار نبوده است.

در سوال چهارم پرسیده شد که "به نظر شما بی‌طرفی کشورهای چمن عمان و سوئیس می‌تواند به موفقیت مذاکرات ایران و ترامپ کمک کند؟" که ۷۱٪ موافق، و ۲۸.۲٪ پاسخ منفی دادند.



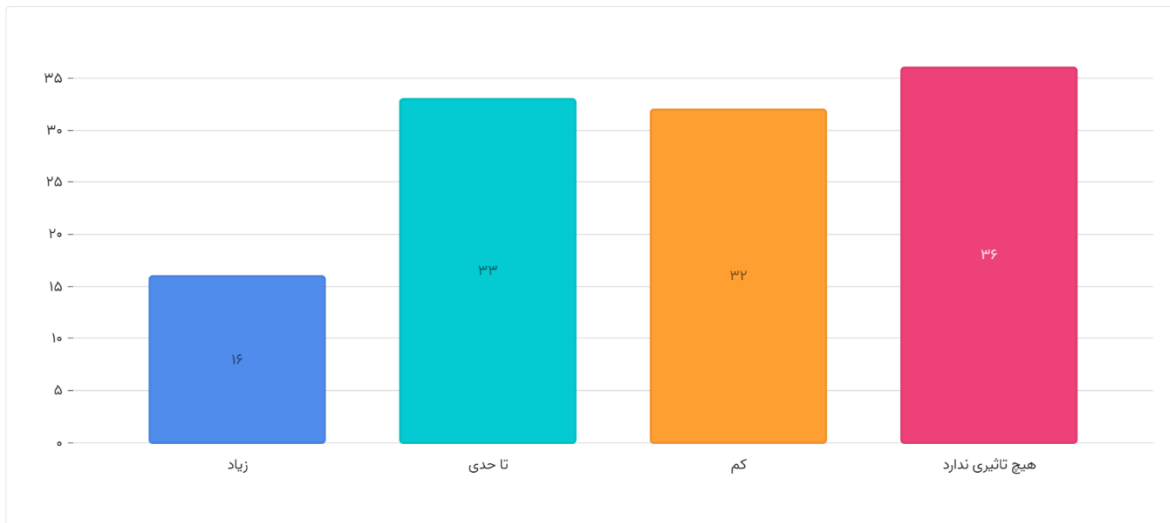
در این سوال که به بررسی نقش کشورهای چمن عمان و سوئیس در مذاکرات ایران و آمریکا پرداخته بود، ۷۱٪ از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که بی‌طرفی این کشورها می‌تواند به موفقیت مذاکرات کمک کند، در حالی که ۲۸.۲٪ با این دیدگاه مخالف بودند. این نتایج نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از افراد به قدرت نقش میانجی‌گری کشورهای بی‌طرف مانند عمان و سوئیس در تسهیل مذاکرات میان ایران و آمریکا اعتقاد دارند. این کشورها به دلیل روابط نزدیکی که با هر دو طرف دارند، قادرند فضای مذاکرات را از تنش‌های سیاسی دور نگه دارند و به ایجاد یک بستر مثبت برای مذاکرات کمک کنند. چنین نگرشی به واقعیت‌های موجود در سیاست‌های بین‌المللی نیز نزدیک است. در گذشته، عمان و سوئیس به عنوان میانجی در مذاکرات مختلف بین ایران و کشورهای غربی نقش داشته‌اند و این سابقه موجب شده که بسیاری از کارشناسان به توانایی این کشورها در تسهیل مذاکرات خوش‌بین باشند

در پاسخ به سوال "کدام شهر یا محل را مناسب‌ترین مکان برای مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و ایالات متحده می‌دانید؟"، نخبگان پاسخ دادند که مسقط (عمان) ۳۷.۲٪، ژنو (سوئیس) ۲۴.۵٪، وین (اتریش)، ۲.۵٪، بغداد (عراق)، ۶.۷٪، دوحه (قطر) ۵٪، نیویورک (نقر سازمان ملل) ۱۶.۹٪ و دیگر شهرها ۶.۷٪ مناسب‌ترین شهرها برای میزبانی مذاکرات هستند.



نتایج نشان می‌دهد که مسقط (عمان) با ۳۷.۲٪ از نظر نخبگان محبوب‌ترین گزینه برای برگزاری این نوع مذاکرات است. عمان به دلیل سابقه طولانی در نقش میانجی‌گری و داشتن روابط مثبت با هر دو کشور، به عنوان یک مکان بی‌طرف و قابل اعتماد شناخته می‌شود. ژنو (سوئیس) با ۲۴.۵٪ در رتبه دوم قرار دارد که به دلیل بی‌طرفی، فضای آرام و سابقه برگزاری مذاکرات بین‌المللی، به عنوان یک مقصد شناخته شده برای مذاکرات دیپلماتیک بین کشورها مطرح است. سایر گزینه‌ها نظیر وین (اتریش) و بغداد (عراق) به ترتیب ۲.۵٪ و ۶.۷٪ از آرای نخبگان را به خود اختصاص داده‌اند، که با وجود سابقه میزبانی این دو شهر در دوره‌های پیشین مذاکرات، نشان‌دهنده کمترین ترجیح‌ها برای میزبانی مذاکرات غیرمستقیم است. این نتایج نشان می‌دهند که نخبگان به مکان‌هایی تمایل دارند که سابقه برگزاری مذاکرات بین‌المللی را داشته و از نظر سیاسی بی‌طرف و امن برای هر دو طرف باشند. نتایج نظرسنجی نشان می‌دهند که مسقط (عمان) به عنوان مناسب‌ترین مکان برای مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و آمریکا با ۳۷.۲٪ از آرای نخبگان انتخاب شده است، که به دلیل بی‌طرفی و روابط مثبت این کشور با هر دو طرف است. ژنو (سوئیس) با ۲۴.۵٪ در رتبه دوم قرار دارد و سایر شهرها مانند وین، بغداد، دوحه و نیویورک کمترین انتخاب‌ها را دریافت کرده‌اند.

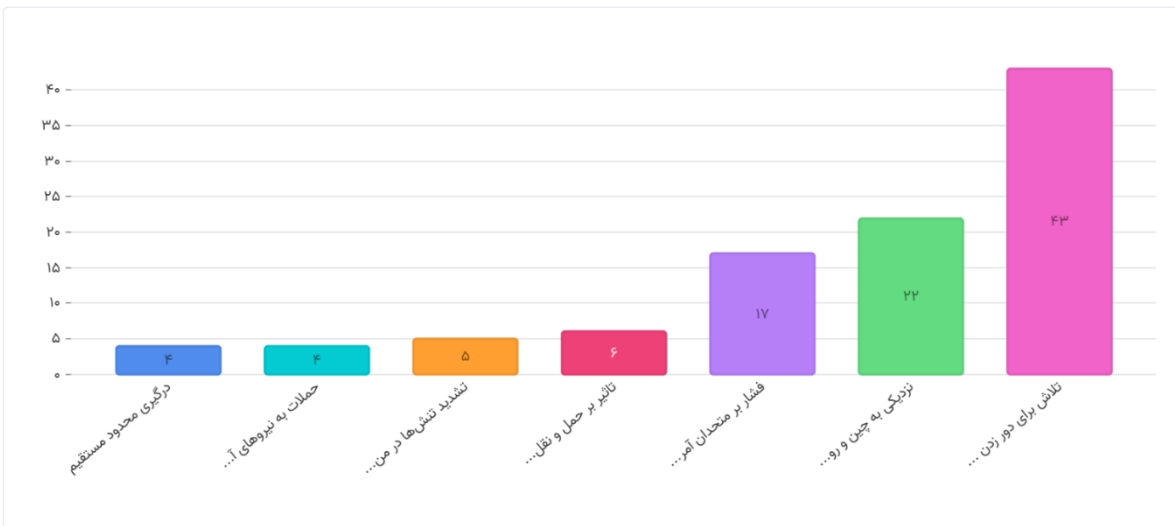
در پاسخ به سوال "چقدر فکر می‌کنید که مذاکرات در یک کشور ثالث می‌تواند امنیت بیشتری نسبت به مذاکرات مستقیم داشته باشد؟" ۱۳.۶٪ این تاثیر را زیاد، ۲۸.۲٪ تاثیر کشور ثالث در روندهای مذاکراتی را تا حدی، ۲۷.۳٪ تاثیر آن را کم ارزیابی کرده، و ۳۰.۷٪ معتقد بودند که هیچ تاثیری ندارد.



۱۳.۶٪ از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که تاثیر کشور ثالث در امنیت مذاکرات زیاد است. این گروه به احتمال زیاد ارزش زیادی برای نقش میانجی‌گری کشورهای بی‌طرف قائلند که می‌توانند به ایجاد فضایی امن‌تر و بی‌تنش‌تر برای گفت‌وگوهای حساس کمک کنند. ۲۸.۲٪ نیز این تاثیر را "تا حدی" ارزیابی کرده‌اند، که نشان می‌دهد این افراد به برخی جنبه‌های مثبت حضور یک کشور ثالث اعتقاد دارند، اما احتمالاً محدودیت‌هایی نیز در نظر دارند. ۲۷.۳٪ از افراد تاثیر کشور ثالث را "کم" می‌دانند و نشان می‌دهند که شاید بر این باورند که صرف حضور یک کشور ثالث نمی‌تواند به میزان زیادی به امنیت مذاکرات بیافزاید. در نهایت، ۳۰.۷٪ از پاسخ‌دهندگان هیچ تاثیری برای کشور ثالث در افزایش امنیت مذاکرات قائل نشده‌اند، که می‌تواند به معنای بی‌فایده بودن این حضور در برقراری امنیت باشد. البته ب نظر می‌رسد وجود میانجی در فرآیند مذاکراتی دو کشور به ویژه در مراحل اولیه مذاکره اجتناب‌ناپذیر است. در واقع با توجه به روابط پر تنش چند دهه اخیر تهران و واشنگتن، و فقدان مسیرهای ارتباطی مستقیم و نبود سفارت‌خانه، آغاز مذاکرات دو کشور باید از طریق یک کشور ثالث پیگیری شود.



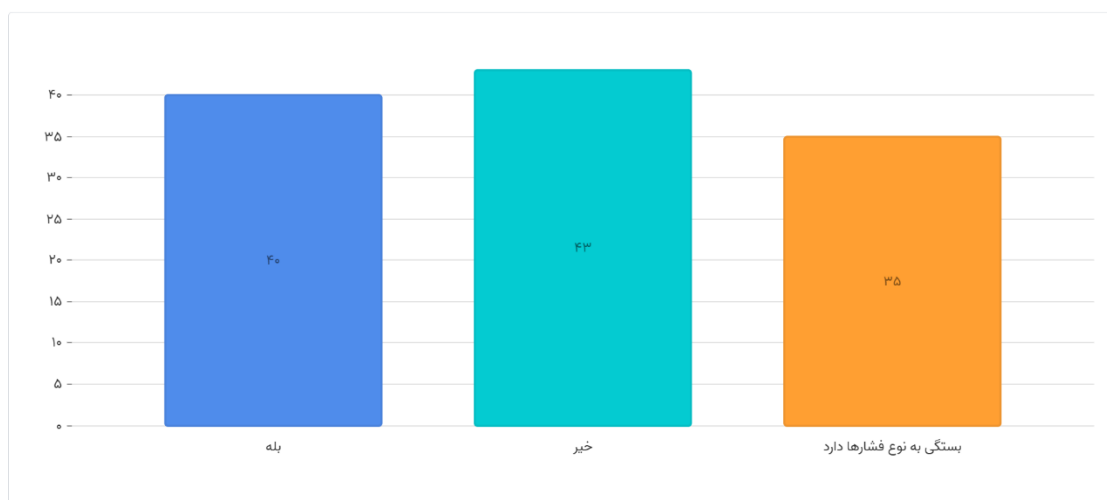
در سوال بعد پرسشنامه، پرسیده شد که "در صورتی که مذاکرات احتمالی به نتیجه نرسد، چه گزینه‌هایی به جز مذاکره برای حل مناقشه ایران و ایالات متحده پیشنهاد می‌دهید؟". در پاسخ ۳.۹٪ درگیری محدود، ۳.۹ درصد، حمله به نیروهای آمریکایی در منطقه، ۴.۹٪ تشدید تنش‌های منطقه‌ای، ۵.۹٪ تاثیرگذاری بر مسیرهای حمل و نقل در تنگه هرمز و باب‌المندب، ۴۶.۸٪ فشار بر متحدان آمریکا در منطقه، ۲۷.۷٪ نزدیکی به چین و روسیه و ۴۲.۵٪ تلاش برای دور زدن تحریم‌ها را به عنوان مسیر جایگزین معرفی می‌کنند.



نتایج نشان می‌دهند که در صورت شکست مذاکرات، بیشتر پاسخ‌دهندگان به گزینه‌های اقتصادی و دیپلماتیک مانند فشار بر متحدان آمریکا، نزدیکی به چین و روسیه، و تلاش برای دور زدن تحریم‌ها تمایل دارند. در مقابل، گزینه‌های نظامی نظیر درگیری محدود یا حمله به نیروهای آمریکایی کمترین میزان حمایت را داشته‌اند. درگیری محدود و حمله به نیروهای آمریکایی مجموعاً ۷.۸٪ از پاسخ‌دهندگان به گزینه‌های نظامی رای داده‌اند، که نشان‌دهنده تمایل به گزینه‌های تهاجمی در صورتی که سایر گزینه‌ها به نتیجه نرسند. ۴.۹٪ از افراد، به تشدید تنش‌ها در منطقه به عنوان یک راهکار اشاره کرده‌اند، که نشان‌دهنده خطرات افزایش بی‌ثباتی در منطقه است. ۵.۹٪ از پاسخ‌دهندگان به گزینه تاثیرگذاری بر مسیرهای حمل و نقل در تنگه هرمز و باب‌المندب اشاره کرده‌اند، که این گزینه نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این مناطق است. با ۴۶.۸٪ آراء، بیشترین گزینه انتخابی فشار بر متحدان آمریکا در منطقه است. این نشان‌دهنده تمایل به استفاده از دیپلماسی و فشار بر کشورهای دیگر برای تغییر سیاست‌های آمریکا در قبال ایران است. ۲۷.۷٪ از پاسخ‌دهندگان بر نزدیک‌تر شدن به چین و روسیه به عنوان یک استراتژی سیاسی تاکید کرده‌اند. ۴۲.۵٪ به دنبال استفاده از روش‌های مختلف برای دور زدن تحریم‌ها هستند که این نشان‌دهنده اولویت دادن به راه‌های اقتصادی و مالی در مقابله با فشارهای بین‌المللی است. به طور

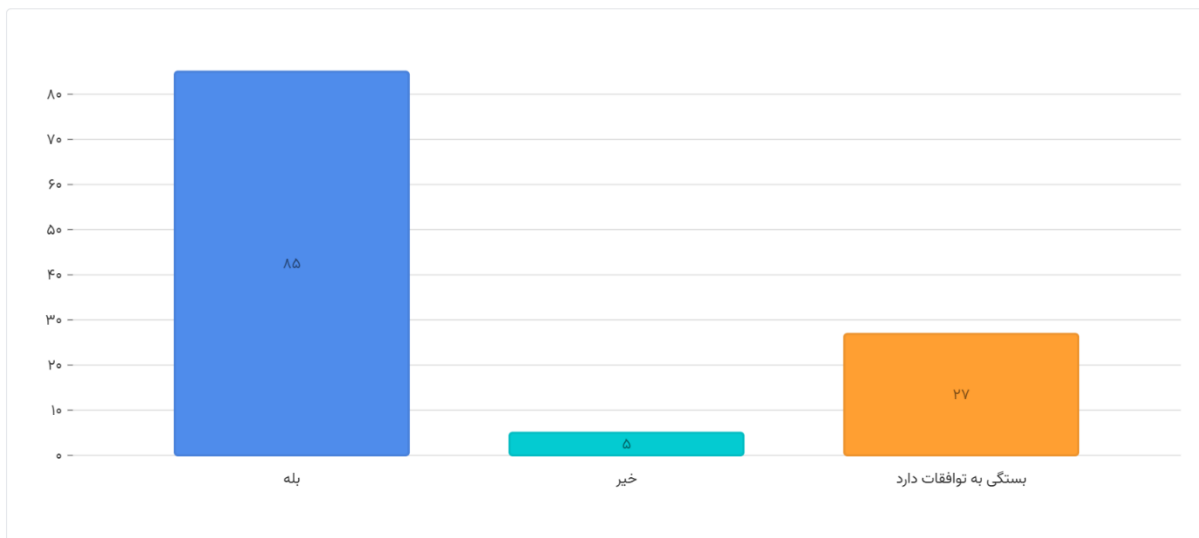
کلی، پاسخ‌دهندگان بیشتر به گزینه‌های غیرنظامی و فشار دیپلماتیک گرایش دارند و تاکید زیادی بر افزایش روابط با قدرت‌های بزرگ غیرغربی مانند چین و روسیه دارند.

۳۳.۸٪ موافق و ۳۶.۴٪ مخالف سوال "به نظر شما فشارهای اقتصادی و سیاسی بر ایران قبل از آغاز مذاکرات، مانع از موفقیت مذاکرات خواهد شد؟" بودند. ۲۹.۶٪ هم پاسخ دادند که ۲۹.۶٪ اینکه فشارهای اقتصادی و سیاسی بر ایران قبل از آغاز مذاکرات، مانع از موفقیت مذاکرات خواهد شد، بستگی به نوع فشارها دارد.



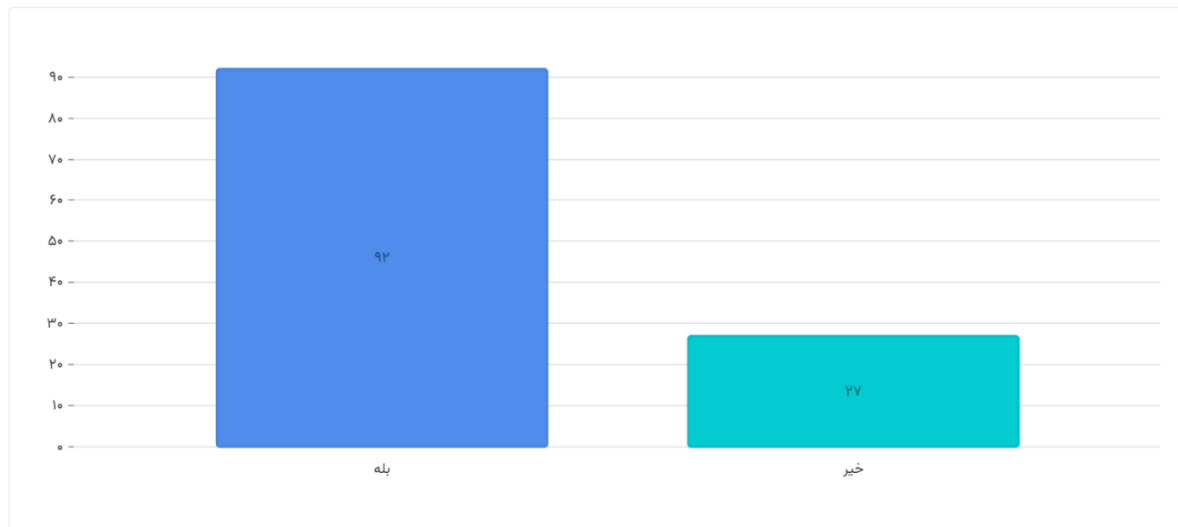
نتایج این نظرسنجی نشان‌دهنده دیدگاه‌های مختلف نسبت به تاثیر فشارهای اقتصادی و سیاسی بر موفقیت مذاکرات ایران و آمریکا است. این نظرسنجی نشان‌دهنده نگرانی‌ها و دیدگاه‌های متنوع در میان نخبگان ایران است که می‌تواند در تعیین مسیر مذاکرات ایران و آمریکا تاثیرگذار باشد. از آنجا که ۳۳.۸٪ از پاسخ‌دهندگان معتقدند که فشارهای اقتصادی و سیاسی بر ایران مانع موفقیت مذاکرات خواهد شد، این گروه به طور کلی بر این باورند که این نوع فشارها می‌تواند تهدیدی جدی برای تحقق توافقات باشد. تجربه پیشین در مود سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران موید این موضوع است. در مقابل، ۳۶.۴٪ از پاسخ‌دهندگان این فشارها را مانع نمی‌دانند و احتمالاً باور دارند که ایران می‌تواند با وجود این فشارها، موفق به رسیدن به توافقی پایدار شود. در حالی که ۲۹.۶٪ نیز اذعان کرده‌اند که تاثیر فشارها بستگی به نوع آن‌ها دارد، این بخش از پاسخ‌دهندگان به تنوع شرایط و راهکارهای ممکن اشاره دارند و به این نکته اشاره می‌کنند که برخی فشارها ممکن است بیشتر از سایرین بر روند مذاکرات تاثیر بگذارند.

در پاسخ سوال نهم، "آیا در صورتی که مذاکرات به نتیجه برسد، توافقات باید در سریع ترین زمان ممکن اجرایی شوند؟" ۷۲.۶٪ موافق و ۴.۲٪ مخالف اجرای سریع توافقات، در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات هستند. همچنین ۲۳٪ این امر را منوط به نوع توافقات دانسته اند.



نتایج این سوال نشان دهنده تمایل بالای افراد به اجرایی شدن سریع توافقات در صورت موفقیت مذاکرات ایران و آمریکا است. ۷۲.۶٪ از افراد موافق اجرای سریع توافقات هستند که نشان می دهد بیشتر شرکت کنندگان بر این باورند که اگر مذاکرات به نتیجه برسد، باید این نتیجه ها بدون تأخیر اجرایی شوند. این امر می تواند به دلیل نیاز فوری به حل مشکلات اقتصادی، رفع تحریم ها، یا بهبود روابط بین دو کشور باشد. در مقابل، تنها ۴.۲٪ مخالف اجرای سریع توافقات هستند که نشان دهنده نگرانی های احتمالی در مورد نتایج توافقات و نیاز به دقت بیشتر در این روند است. همچنین ۲۳٪ پاسخ دهندگان معتقدند که بستگی به نوع توافقات دارد، که می تواند به این معنا باشد که در برخی موارد، اجرای توافقات ممکن است نیاز به زمان بیشتری برای اجرا یا بررسی های دقیق تر داشته باشد.

در سوال آخر پرسیده شد که "با توجه به سیاست های پیشین دولت آمریکا در خروج از برجام، آیا با مذاکره با دولت ترامپ در مسائلی به جز فناوری هسته ای موافقید؟" که ۷۷.۳٪ موافق، و ۲۲.۶٪ مخالف مذاکره با دولت ترامپ در مسائلی به جز فناوری هسته ای هستند.



نتایج این نظرسنجی نشان دهنده تمایل بیشتر مردم به مذاکره با دولت ترامپ در مسائل غیر هسته‌ای است. با ۷۷.۳٪ موافق، این نظر عمومی بیانگر این است که بسیاری از افراد مایلند در موضوعات غیر هسته‌ای با دولت ترامپ به گفت‌وگو بنشینند، حتی با وجود سابقه منفی از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای (برجام). ۲۲.۶٪ مخالف این مذاکرات، احتمالاً از نگرانی‌هایی مثل عدم اعتماد به سیاست‌های گذشته آمریکا، به ویژه در مورد خلف وعده‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از خروج ترامپ از برجام، سخن می‌گویند.

گفتنی است در سال ۲۰۱۸، دولت ترامپ تحت ریاست جمهوری او از برجام که توافقی چندجانبه با ایران و کشورهای دیگر بود، خارج شد. این اقدام به شدت با مخالفت ایران و برخی کشورهای روبرو شد و به افزایش تنش‌ها و تحریم‌های شدید علیه ایران انجامید. برخی از پاسخ‌دهندگان به این نظرسنجی ممکن است با توجه به تجربه تاریخی از این خروج، هنوز نسبت به مذاکره با چنین دولتی در مسائل دیگر محتاط باشند.



**مرکز آینده پژوهی جهان اسلام**

دارای مجوز رسمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

شماره ۱۰۰۴۸۶